

**Abstract**

Criteria and policies govern urban management, the implementation of which requires a talented social context to rely on to manage its activities in a more desirable way, and jurisprudence should be introduced in different layers and the opposing sections should be eliminated or Adjusted and adapted. Observance and implementation of jurisprudential standards causes the existence of a monotheistic and divine spirit and the color and smell of spirituality is felt, which is the advantage of urban jurisprudential management from purely secular and human management. According to this article, in addition to jurisprudential analysis, it has been achieved that the rules and policies governing urban management with issues such as education of citizenship rights, adopting a citizen-oriented approach, reforming the administrative system and respecting citizenship rights, impact on crime reduction and prevention From it, etc., it is possible to play a role in promoting rights in society.

Keywords: jurisprudence, law, citizenship, urban management

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

عاطفه حسینی فرد<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

مسعود راعی<sup>۲</sup>

#### چکیده

در جامعه شناسی مدیریت شهری بدنبال یافتن ضوابط و سیاست های حاکم بر مدیریت شهری هستیم که اجرای آن نیازمند بستر اجتماعی است تا با تکیه بر آن فعالیت هایش را به صورت مطلوب تری مدیریت نمایند و در این راستا باید لایه های مختلف آن فقه را وارد نمود و بخش های معارض را حذف و یا تعدیل و مناسب سازی نمود. رعایت و پیاده سازی موازین فقهی باعث می شود که روح توحیدی و الهی وجود داشته و رنگ و بوی معنویت احساس شود که این نقطه امتیاز مدیریت فقهی شهری از مدیریت صرفا سکولار و بشر ساخته است. به موجب این مقاله علاوه بر تحلیل فقهی به این مهم دست یافته شده است که ضوابط و سیاست های حاکم بر مدیریت شهری با مواردی مانند آموزش حقوق شهروندی، اتخاذ رویکرد شهروند مداری، اصلاح نظام اداری و مراعات حقوق شهروندی، تاثیر در کاهش جرایم و پیشگیری از آن، و... امکان نقش آفرینی در راستای ارتقای حقوق را در جامعه دارد. واژگان کلیدی: فقه، حقوق، شهروندی، مدیریت شهری، جامعه شناسی

<sup>۱</sup> گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

<sup>۲</sup> - گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده مسئول)

## مقدمه

مدیریت شهری به "تمامی نهادها، سازمان‌ها و افرادی گفته می‌شود که به صورت رسمی یا غیر رسمی در فرآیند مدیریت شهر اثر گذار هستند" {۱۷، ۱۳۸۸، ۱۰۵} اصطلاح مدیریت شهری مفهومی می‌باشد که تنوع گسترده‌ای دارد. از جمله تعاریف در این باره می‌توان به این تعریف اشاره کرد: تلاش برای هماهنگ نمودن و یکپارچه کردن اقدامات دولتی و هم‌چنین خصوصی برای چیره شدن بر مسائلی که ساکنان شهرها با آن‌ها مواجه هستند و ایجاد شهرهای رقابتی‌تر، عادلانه‌تر و پایدارتر {۲، ۱۳۹۰، ۷۹} از طرفی مدیریت شهری به تمامی نهادها، سازمان‌ها و افرادی گفته می‌شود که به صورت رسمی یا غیر رسمی در فرآیند مدیریت شهر اثر گذار هستند. {۱۷، ۱۳۸۸، ۱۰۵} مدیریت شهری باید برای شهر برنامه ریزی انجام دهد، فعالیت‌های شهری را ساماندهی نموده و بر فعالیتهای انجام شده، نظارت نماید و حتی برای انجام بهینه امور انگیزش لازم را در سازمان مدیریت شهری و سایر سازمان‌ها و شهروندان ایجاد نماید.

چنانچه شهر هم‌چون سازمانی در نظر گرفته شود، لازم است که در راس آن عنصری برای برنامه ریزی آینده و اداره امور کنونی قرار گیرد که این عنصر را می‌توان مدیریت شهر نامید. "عنصری که موفقیت و شکست این سازمان در دست یابی به اهداف و انجام وظایفش متکی بر این مدیریت است." {۴، ۱۳۹۳، ۲} البته مشخصات و ساختار نهادهای قانونی اداره کننده شهر از کشوری به کشور تفاوت دارد و هر جامعه‌ای با توجه به ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود تعریف یا تلقی خاصی از مدیریت شهری دارد.

در راستای تحلیل فقهی و حقوقی ضوابط و سیاست‌های حاکم بر مدیریت شهری که موضوع این مقاله است؛ باید گفت "فقه علم پویایی است که متناسب با زمان، مکان به رفتارهای فردی و اجتماعی مسلمانان جهت می‌دهد و در این حیطه نیز ضوابط و سیاست‌ها گویای این است که فقه برنامه‌های مدیریت شهری به معنای اخص کلمه را تعیین نمی‌کند؛ بلکه به آن‌ها جهت می‌دهد و البته پرواضح است که در صورت رعایت این موازین و پیاده سازی این جهت در برنامه‌های مدیریت شهری، فضای معنوی و روحانی که مطلوب شرع است نیز محقق خواهد شد. شهری که بر اساس موازین فقهی اداره گردد، دارای روح توحیدی و الهی بوده و رنگ و بوی معنویت را در تمام زوایای آن می‌توان احساس نمود که این موضوع تفاوت مدیریت فقهی را بیش از پیش آشکار می‌سازد. فقه مدیریت شهری در زمان حاضر عرصه وسیعی از موضوعات را در بر می‌گیرد. به عنوان مثال شهرداری‌ها از یک طرف با اموال و از طرف دیگر با املاک مردم سرو کار دارند. بعضاً نیز اموال رها شده در اختیار آنان است و بعضاً محدودیت‌هایی را اعمال و اشخاص را از برخی منافع محروم می‌سازند. این‌ها و دهها رفتاری که ارگانی مانند شهرداری که از جمله مهم‌ترین ارگان‌های مدیریت شهری است، انجام می‌دهد خود موضوعات جدی و پرچالشی در عرصه فقه به حساب می‌آید که لازم است حکم آن روشن گردد و از طرف دیگر این ارگان، فضای شهری را سامان می‌دهد و فعالیت‌های زیادی را انجام می‌دهد که هر یک مسائل مختلف فقهی را نیز می‌توانند شامل بشوند حتی خدمات شهری که از مردم دریافت می‌شود نیز مستلزم هزینه‌هایی است که طیف وسیعی از مسائل فقهی را به خود اختصاص می‌دهد که هر یک در غالب ضوابط

و سیاست‌های حاکم بر مدیریت شهری مطرح و بحث پیرامون آن صورت می‌گیرد." {۱۰، ۱۳۹۷، ۲۴، ۱} به واقع ابواب مختلف و جدیدی از فقه در ضوابط و سیاست‌های حاکم بر مدیریت شهری باید مورد توجه قرار بگیرد که از آن جمله فقه‌الاداره یا همان فقه‌سازمانی قابل ذکر است که "شعبه‌ای از فقه است که می‌کوشد قواعد مدیریتی را از طریق استنباط احکام اداری به سبک اجتهاد جعفری و جواهری غنی‌سازی نماید و موضوع این فقه، فعل سازمان و متعلقات آن است" {۱۱، ۱۳۹۴، ۴} "از دیگر موارد هم فقه‌التربیه یا همان فقه‌تربیتی را می‌توان عنوان نمود که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به این موضوع توجه زیادی شده است" {۱۲، ۱۳۹۲، ۲۴} از دیگر موارد می‌توان به فقه‌العماره (فقه‌شهرسازی و معماری) اشاره داشت که "به معنای فقه‌بناها، مزارع، بوستان، کشاورزی و فقه‌معماری یا بناهاست که شهرسازی، کیفیت منزل و چارچوب‌هایی که فقه در رعایت بنا و ساختمان‌سازی لازم می‌داند را عنوان نموده است" {۱۱، ۱۳۹۴، ۴} به واقع تحلیل فقهی ضوابط و سیاست‌های حاکم بر مدیریت شهری نشان می‌دهد که باید در لایه‌های مختلف آن فقه و معارف اسلامی را وارد نمود و بخش‌های معارض را به منظور تطهیر فضای مدیریت حذف و یا تعدیل و مناسب‌سازی نمود چرا که ابهاماتی در این حیطة مشاهده می‌گردد و نیاز به تحلیل و تبیین بیشتری وجود دارد.

"از منظر حقوقی نیز ضوابط و سیاست‌های حاکم بر مدیریت شهری در رابطه با شهروندان است یعنی این موارد در پرتو قوانین و مقررات شهری ضمن تعیین محدوده برای خود، می‌توانند شهروندان را در اداره امور مشارکت داده و مفهوم شهروندی را محقق سازند." {۱۷، ۱۳۸۸، ۱۰۱} به واقع مدیریت شهری می‌تواند با آموزش حقوق شهروندی، اتخاذ رویکرد شهروندمداری، ایجاد فضای گفتگو میان شهروندان و مدیران شهری، اصلاح نظام اداری، مراعات حقوق شهروندی، حاکمیت قانون، کارآیی و اثر بخشی در جهت ارتقای هر چه بیشتر حقوق شهروندان نقش آفرینی کند. در کنار آن و تحقق حقوق شهروندی، "بسیاری از دستگاه‌های دولتی به عنوان اجزای مدیریت شهری در حوزه وظایف خود، در کنار تکالیفی که تحت عنوان مقررات عام و خاص بر عهده مردم قرار داده است و تخلف از آن را جرم تلقی نموده، مستوجب مجازات می‌دانند. خود این دستگاه‌ها نیز به موجب مقررات جاری کشور دارای وظایف و تکالیفی هستند که غفلت از آن‌ها منجر به بروز بسیاری از جرایم می‌گردد." {۶، ۱۳۸۸، ۳۴} به غیر از شهرداری‌ها که عنوان شد از جمله دیگر سازمان‌هایی که در ایران، با توجه به قوانین و وظایف آن به نوعی کنشگر اتخاذ برنامه‌های مدیریت شهری هستند، سازمان مسکن و شهرسازی، اداره منابع طبیعی، سازمان ثبت اسناد و املاک، طراحی و جانمایی ساختمان‌ها، توجه به پارک‌های عمومی، تعیین حریم روستاها و مشخص نمودن محدوده اراضی ملی با تابلوهای هشداردهنده، برگزاری جشن‌های ملی و مذهبی با نگاه فراتر از پر نمودن اوقات فراغت، همه و همه در زمره اقداماتی است که بر عهده متولیان مدیریت شهری قرار داشته است و اجرای صحیح آن می‌تواند نقش موثری از منظر فقهی و حقوقی در اجرای ضوابط و سیاست‌های حاکم داشته باشد. با توجه به اهمیت مراتب فوق به نظر می‌رسد سوال اساسی قابل طرح این است که اجرای ضوابط و سیاست‌های فقهی و حقوقی حاکم بر مدیریت شهری چه تاثیری دارد و یا با چه مواردی این ضوابط و سیاست‌ها امکان نقش آفرینی در راستای ارتقای حقوق شهروندی، کاهش جرم و پیشگیری از آن را در جامعه دارد؟ این سوالات باعث می‌گردد که به بررسی و تحلیل ضوابط و سیاست‌های حاکم بر مدیریت شهری به موجب این مقاله پرداخته شود.

### ۱: جایگاه فقه در ضوابط و سیاست های حاکم بر مدیریت شهری

یکی از قسمت های تاثیرگذار در زندگی افراد، بخش های مختلف مدیریت مانند مدیریت شهری است که اجرای فرامین الهی توقعی است که بنابر آن از ضوابط و سیاست های حاکم بر مدیریت شهری می رود. در کشور ایران مردم با انقلاب ۱۳۵۷ نشان دادند که تمایل به برقراری حکومت اسلامی دارند. علاوه بر آن مردم با قبول این حکومت بدون تردید خواستار تجلی یافتن فرامین اسلامی در مراتب مختلف ملی و محلی می باشند و وجود فقه و معارف اسلامی و بالتبع اجرای آن در تمامی ابعاد از جمله زمینه های مربوط به علوم انسانی در مدیریت شهری لازم است. حوزه های مدیریت شهری در حیطه علوم انسانی مختلف است که از جمله آن ها می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

#### ۱-۱: فقه سازمانی (فقه الاراده)

فقه الاداره به عنوان یکی از شاخه های فقه از مرتبه بالایی برخوردار می باشد که به تولید و تاثیرگذاری ادبیات لازم جهت نظام سازی در حیطه مدیریت اسلامی و غنی سازی آن می پردازد. در این نوع فقه، چارچوب های لازم در راستای مدیریت اسلامی مد نظر قرار گرفته و مباحث علم مدیریت با نگاهی فقهی و با روشی اجتهادی مورد بحث قرار گرفته است تا جواب های علمی و روشمند حاصل گردیده و در یک منظومه جامع واقع شود و به این ترتیب، زمینه و امکان نظریه پردازی و نظام سازی مبتنی بر فقه در حوزه مدیریت شهری نیز از دیدگاه اسلام مهیا گردد. {۷، ۱۳۹۵، ۲۹} جایگاه این نوع فقه در ضوابط و سیاست های حاکم بر مدیریت شهری در حوزه معاونت های مالی و اداری و تا اندازه ای هم در برنامه ریزی و توسعه می باشد. موضوع فقه الاداره به واقع فعل سازمان و متعلقات آن اعم از منابع انسانی و مادی است. منابع انسانی افرادی هستند که کارگزاری موارد مختلف سازمان را بر عهده دارند و منابع مادی هم شامل ساختمان و فضا اعم از زمین، ساختمان، محوطه و انبار و هم چنین مواد اولیه، امکانات پولی و مالی و اطلاعات و تکنولوژی است. {۱۴، ۱۳۹۲، ۴۵} به واقع در تعامل با دو دانش فقه و مدیریت، دانش جدیدی شکل گرفته است که از آن به عنوان فقه سازمانی یا همان فقه الاداره یاد می شود که این علم شعبه ای از فقه در مساله مدیریت است و مانند فقه الوقف شعبه ای از مسائل و احکامی می باشد که در حیطه ای خاص، استنباط می شود. در باب لزوم وجود این نوع فقه در ضابطه های مدیریت شهری باید گفت که در درجه اول جامعه اسلامی به آن نیاز دارد و بنابر وجود آن باید ظرفیت پاسخگویی فقه شیعه به صورت تبیین احکام برای هر نوع موضوع در گستره آن مورد تبیین قرار بگیرد. از جمله زوایایی که در این باب می تواند جایگاه والایی داشته باشد می توان به توحیدی نمودن بینش های مدیریتی و متعالی کردن اهداف آن اشاره نمود. هم چنین وجود فقه الاداره در کارگزینی ها چه بسا موجب اصلاح نمودن روش های مدیریتی مانند روش های گزینش اصلح گردد. چرا که در این نوع فقه، ارزش های سازمانی شامل قرب الهی، رعایت مصالح عمومی، مسئولیت، خود کنترلی رقابت سالم و رعایت حقوق افراد و... عدالت محوری هستند.

این قبیل ارزش‌ها به عنوان اصول اساسی حاکم بر سازمان برای افراد درون سازمان ارزش ذاتی دارد و بیانگر باورهای کلی است که رفتار افراد را در همه شرایط تحت تاثیر قرار می‌دهد. در حقیقت این ارزش‌ها به مواردی اطلاق می‌شود که تعالی جامعه انسانی را در بر گرفته و هم‌چنین از حیث فناوری سیر رشد را تسریع بخشید و در نهایت به کمال انسانی الهی، رهنمون شوند. هدف عالی در نظام اسلامی این است که روح انسان‌ها کامل تر شود. { ۱۳۹۵، ۸، ۳ }  
 مدیریت مبتنی بر ارزش‌های سازمانی مذکور، روابط قدرت در سازمان را مجدداً تعریف می‌کند. البته مدیریت عنوان شده نهادینه نخواهد شد مگر آن که سازمان بتواند با عزم راسخ و نگاه راهبردی عوامل متعددی را که شکل دهنده باورها و ارزش‌های کارمندان و مدیران سازمان است را در این راستا به کار بگیرد. { ۱۳۹۸، ۹، ۱۵۱ }

#### ۱-۲: فقه تربیتی (فقه التربیه)

فقه تربیتی، محدوده وسیعی از مباحث تربیتی مانند تعلیم، تعلم، تربیت و عوامل آن‌ها و هم‌چنین نتایج گرایش‌های مختلف علوم دینی، مانند مدیریت آموزشی، برنامه‌ریزی درستی، تکنولوژی آموزشی و... را با نگاهی فقهی بررسی می‌نماید. { ۱۳۸۷، ۱، ۵۲ } کارکرد اصلی و بالذات «فقه التربیه»، تعیین حکم شرعی در فرآیند تربیت است. تربیت به عنوان فرآیند، همواره با فعالیت و اقدام مربی و گاه فعالیت مربی در مقام تربیت همراه است؛ خواه مربی بودن و مربی بودن در یک فرد تحقق یابد، خواه در دو فرد. از آن‌جا که هر رفتار اختیاری انسان، الزاماً به یکی از احکام پنج‌گانه تکلیفی (وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه) یا احکام وضعی متصف می‌گردد و رفتارهای مربی و مربی در ضمن فرآیند تربیت نیز از این قاعده مستثنی نیست، در نتیجه فقه عهده‌دار تعیین حکم شرعی برای اقدامات و رفتارهای مربی - به معنای عام آن - و رفتارهای مربی خواهد بود. مربی - به معنای عام - و رفتارهای او، صورت‌های مختلفی می‌تواند به خود بگیرد. به طور مثال دولت و حکومت به عنوان یکی از دستگاه‌های تأثیرگذار در تربیت، دارای رفتارهایی از قبیل هدف‌گذاری‌های کلان تربیتی، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، سازماندهی و گاهی تهیه محتواهای آموزشی، مدیریت و اجرا می‌باشد که بدون شک، هر کدام تأثیرات کلان آموزشی و تربیتی بر فرآیند مذکور داشته و با توجه به این آثار، موضوع حکم شرعی نیز قرار خواهد گرفت. رسانه‌های گروهی نیز در اشکال و انواع مختلف خود تأثیراتی قطعی تربیتی بر مخاطبان و جامعه دارند و از این رو رفتارهای آنان هر یک محکوم به حکمی از احکام شرعی خواهد شد. مثلاً در بین شیوه‌های ژورنالیستی، انواع تبلیغات مجاز و غیرمجاز حقیقت‌مدار و اغواگرانه، تحریک و سوق دادن مردم، ممانعت و جلوگیری از برخی اقدامات، نشر یا حذف دسته‌ای خاص از خبرها و... هر کدام، آثاری گاه بس شدید و نیرومند در جامعه بر جای می‌گذارد، که قطعاً می‌تواند موضوع بررسی‌های فقهی قرار گیرد. { ۱۳۸۱، ۵، ۲۳ } در حیطه موضوع این مقاله نیز وجود فقه تربیتی در ضوابط و سیاست‌های حاکم بر مدیریت شهری می‌تواند تاثیر زیادی داشته باشد که خوشبختانه در سال‌های اخیر این موضوع بیشتر در گستره مدیریت شهری مورد توجه قرار گرفته است و به عنوان مثال می‌توان به قوام یافتن دانش فقه هنر اشاره کرد که مدرسه هنر اسلامی قم از سال‌های گذشته تا به امروز با برقراری کلاس‌های مختلف به تربیت مربیان، کارشناسان و منتقدین هنری پرداخته است و در حال حاضر شهرداری به عنوان ارگان اصلی در اجرای ضوابط و سیاست‌های حاکم بر مدیریت شهری می‌تواند برای مدیریت‌های امور هنری و

سازمان های زیبا سازی خود و یا معاونت های هنری سازمان های فرهنگی و هنری از این موضوع در این حوزه استفاده نمایند. {۹، ۱۳۹۴، ۱۱}

### ۱-۳: فقه محیط زیست

ضوابط و سیاست های حاکم بر مدیریت شهری در حیطه محیط زیست می تواند در اجرای اوامر الهی مثمرتر باشد و حتی به جرات می توان گفت حفاظت واقعی از محیط زیست در گرو پیاده شدن مجموعه کامل فقه اسلامی است. به عبارتی آن چه سبک زندگی اسلامی خوانده می شود، حفاظت از محیط زیست را ضمانت خواهد نمود و در واقع تحقق کامل حتی یک قاعده فقهی، متنوع و منفک از سایر وجوه حیات دینی امکان پذیر نخواهد بود. قاعده های فقهی سازنده و موجد احکام می باشند و قواعد زیست محیطی فقهی برگرفته از این قواعد نیز احکام متضمن مقررات حفاظت از محیط زیست را می سازند و از تخریب و تجاوز به محیط زیست با تعیین قواعدی جلوگیری می نمایند. {۱۳، ۱۳۹۱، ۱۹۰} از جمله قواعد فقهی می توان به قاعده لاضرر اشاره نمود که در زمره قواعد حاکمه فقهی می باشد در این معنا که به هر نوع مقرر شرعی حکومت نموده است و تعدی از حدود را اجازه نمی دهد. {۱۶، ۱۴۳۰، ۵۹۸} با توجه به این که یکی از جهاتی که دین اسلام را همیشه زنده و جاوید نگه داشته است، این است که یک سلسله قواعد و قوانین در این دین تعیین شده که کار آن ها کنترل و تعدیل سایر قوانین است و فقها به آن قواعد حاکمه می گویند و قاعده لاضرر در این زمره است. {۱۵، ۱۳۸۰، ۱۲۲} و از طرفی مسائل زیست محیطی هم از جمله مسائلی است که با رجوع به قواعد و قوانین می توان نظر شارع مقدس را نسبت به آن ها تا حد فراوانی استخراج نمود؛ لذا در حوزه محیط زیست نیز اعمال قاعده ای مانند لاضرر به ممنوعیت هر نوع فعل و ترک فعل و هم چنین قانونی می انجامد که دارای اثرات مخرب محیط زیستی می باشد.

از دیگر قواعد که در حیطه فقه محیط زیست مورد استفاده قرار گرفته است، قاعده اتلاف است که این قاعده از مضمون مجموعه ای از آیات قرآن کریم مانند سوره بقره، آیه ۱۹۴ و سوره نحل آیه ۱۲۶ و روایات از جمله حدیث مشهور "من تلف مال الغير فهوله ضامن" برداشت می گردد و به طور خلاصه می توان سیطره محیط زیستی قاعده اتلاف را این گونه بیان نمود که اگر کسی با ایجاد آلودگی های محیط زیستی به نحوی به طبیعت آسیب رساند که باعث تخریب و اتلاف سرمایه های طبیعی همگانی شود مکلف به جبران خسارت است. {۱۳، ۱۳۹۱، ۱۹۴} علاوه بر این براساس فقه محیط زیست اگر فعالیت بخش دولتی و خصوصی در دریا، هوا، خاک و زمین موجب ایجاد عارضه و آسیب محیطی گردد، آسیب رسان ضامن است و باید از عهده جبران خسارت های رسیده برآید و اگر این فعالیت به دولت و یا سازمان های دولتی به دلیل کوتاهی در نظارت و یا به دلیل سوء مدیریت و یا ضعف برنامه ریزی قابل انتقال باشد، از نظر فقهی مسئولیت به صورت تضامنی و یا به صورت جداگانه قابل طرح و پیگیری است و اساساً ضمانت درباره پدیدآورنده ایجاد عارضه است و هر کسی در این زمینه کوتاهی کرده باشد، خلافکار محسوب می شود و شرعاً ضامن است. پس همان گونه که روشن است ضوابط و سیاست های حاکم بر مدیریت شهری باید در

۱ الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ  
 ۲ وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ

راستای ارتقای حفاظت از محیط زیست باشد و بر اساس مطالب فوق چنان چه ضروری حتی از سوی ارگانی مانند دولت وارد شود؛ ضرر زننده موظف به جبران خسارت است.

#### ۱-۴: فقه شهرسازی و معماری

فقه شهرسازی و معماری به معنای فقه بناها، مزارع، بوستان، کشاورزی و فقه معماری است که شهرسازی، کیفیت منزل و چارچوب‌هایی که فقه در رعایت بنا و ساختمان سازی لازم می‌داند را شامل می‌شود. {۱۱، ۱۳۹۴، ۱۲} در خصوص این نوع فقه باید گفت یکی از با اهمیت ترین ارکان احکام فقهی، دقت و حجیت آن‌ها می‌باشد و فقهای معظم نباید تنها به مبانی نظری و بنیادهای قواعد و احکام بسنده نمایند و در باب چگونگی به کارگیری و میزان کارآمدی صحبتی نفرمایند چرا که این امکان وجود دارد که قاعده‌های مطرح شده در عمل چندان کارآمد نباشند و این گونه تصور شود که فقهای گرامی تنها به کلی‌گویی پرداخته‌اند و نتیجه بحث روشن نمی‌گردد و چه بسا اختلاف نظرانی ایجاد شود. از جمله قواعدی که با وجود دقت زیاد در مبانی و بنیانش در موضوعاتی مانند معماری و شهرسازی مورد توجه واقع نشده است، قاعده لاضرر است که از جمله قواعدی است که با وجود توجهات بسیار در مبانی و بنیادها و وجود آثار مبسوط در این خصوص، از نظر کاربردی و میزان کارآمدی این قاعده در معماری محله‌ها، زیاد مورد توجه قرار نگرفته و با توجه به مهم و اساسی بودن بحث محله‌های شهری که دغدغه روز دنیا نیز می‌باشد، متأسفانه مباحث مبسوطی درباره آن ارائه نشده است. البته با توجه به فلسفه جعل قاعده لاضرر که جهت جلوگیری از ضرر در حکومت اسلامی و حفظ نظام (اقتصادی، اجتماعی، امنیتی، ...) جامعه می‌باشد و از سوی دیگر با نظر به پیامدها و ضررهای منفی نوع طراحی‌های امروز محلات شهری، فهمیده می‌شود که باید با این نوع طراحی‌ها که از فرهنگ غرب وارد کشور شده‌اند و بر فرهنگ و اعتقاد جامعه اسلامی نشانه رفته، مبارزه شود. علاوه بر این از جمله آسیب‌های معماری و شهرسازی در دوران معاصر عدم توجه به دستورات و احکام اسلامی در ساخت خانه و شهرها می‌باشد. متأسفانه مدیریت شهری در مساله معماری و شهرسازی اسلامی به جای پرداختن به مسائل اساسی و احکام اولیه معماری و شهرسازی اسلامی به احکام اضطراری بسنده کرده‌اند و یک حکم اضطراری که حکم اکل میت را دارد تبدیل به یک حکم جاری و اولیه در معماری و شهرسازی کرده‌اند. چنان چه دستورات و احکام اولیه اسلام در سرلوحه سیاست گذاری‌ها و برنامه ریزی‌های مراکز تصمیم‌گیر مانند وزارت راه و شهرسازی، شهرداری‌ها و... قرار گیرد شاهد تحولات عظیم در معماری و شهرسازی اسلامی خواهیم بود. ضمناً باید گفت از هم‌گسیختگی اجتماعی و فرهنگی از جمله آسیب‌ها و چالش‌هایی است که معماری و شهرسازی مدرن نه تنها در ایران بلکه در سطح کشورهای جهان بدان دامن زده است. متخصصان معمار در ایران برای حل این مشکل، دبستان را محور شهرسازی قرار داده‌اند که این آموزه با تعالیم دینی سازگار نیست و با توجه به دستورات اسلام لازم است در سطح شهر مصلی نماز جمعه یا مسجد جامع و در سطح محله مسجد به عنوان محور شهرسازی قرار گیرند زیرا که مسجد مرکز معنویت، ایثار، گذشت، فداکاری، محبت به انسان و دیگر اخلاق و مکارم انسانی است که این صفات و ویژگی‌ها در دبستان دیده نمی‌شود.



۲: ضوابط و سیاست های حاکم بر مدیریت شهری و تاثیر آن در ارتقای حقوق شهروندی، کاهش جرم و پیشگیری از آن

قوانین و مقررات شهری را می توان به عنوان یکی از با اهمیت ترین نقاط اتصال بین مدیریت شهری و شهروندان محسوب نمود. به عبارتی بهتر بازیگران عناصر اصلی مدیریت شهری در پرتو قوانین و مقررات شهری ضمن تعریف نقش برای خود و سایر اعضا می توانند شهروندان را در اداره امور مشارکت دهند و مفهوم شهروندی را محقق سازند. {۱۷، ۱۳۸۸، ۱۰۱} علاوه بر این، عناصر مذکور می توانند به نحوی در کاهش جرم و پیشگیری از آن نیز بسیار تاثیرگذار باشند. در مباحث ذیل به تاثیر هر یک پرداخته می شود.

#### ۲-۱: ضوابط و سیاست های حاکم بر مدیریت شهری و تاثیر آن در ارتقای حقوق شهروندی

تشکیلات و سطوح مدیریت شهری در ایران شامل شهرداری، شورای اسلامی شهر که این شورا حکم نهاد قانونگذار را در مدیریت شهری ایفا می نماید و هم چنین فرمانداری و شورای تامین استان، دستگاههای دولتی و.... است. با توجه به اهمیت و فعالیت های شورای اسلامی شهر و شهرداری؛ در هر یک از مباحث ذیل به بررسی وضعیت ضوابط و سیاست های حاکم بر مدیریت شهری و تاثیر آن در ارتقای حقوق شهروندی پرداخته می شود.

#### -قوانین و عملکرد شورای شهر

شورای اسلامی شهر نهاد قانونگذار برای شهرداری به حساب می آید. بر اساس اصل صدم قانون اساسی در راستای پیشرفت سریع برنامه های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و دیگر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان انجام می گیرد که اعضای آن را مردم همان محل تعیین می کنند. شورای شهر به عنوان یکی از ارکان اصلی شکل گیری جامعه مدنی محلی می تواند به تحقق شهروندی محلی، مدیریت شهری کمک فراوانی نماید. متأسفانه تحلیل محتوایی و شکلی این قانون روشن می نماید که در قانون شوراها، کلمات شهروند و حتی شهروندی مورد استفاده قرار نگرفته است و طبعاً حرفی نیز از آموزش حقوق و تکالیف شهروندی به میان نیامده است. البته با این وجود در سال های اخیر شاهد توجه شورای شهر تهران به آموزش حقوق شهروندی هستیم. شورای شهر تهران در بعضی از مصوبات خود شهرداری را در باب تلاش برای آموزش حقوق و تکالیف شهروندی ملزم می نماید.

#### -قوانین و مقررات شهرداری

بررسی قانون شهرداری نبود مفاهیم شهروندی و آموزش آن را مشخص می سازد. کلمات مورد استفاده قرار گرفته در قوانین شهری ایران قبل از آن که در فضای مفهومی شهروندی قرار داشته باشند اعضای جامعه محلی را تنها از نظر شهرنشین بودن مورد توجه قرار می دهد. یکسان محسوب نمودن شهروند و شهرنشین در گفتمان حقوقی حاکم بر قانون شهرداری گویای این مساله است که قانون شهرداری ها نه به صورت تصویب و نه به صورت تلویحی، روح شهروندی و معنای آن را که در قوانین شهرداری های جوامع پیشرفته تبلور یافته نمودار نساخته و مانند قانون کشورهای پیشرفته به رابطه دو طرفه شهرداری و شهروندان و حقوق و وظایف آن ها توجه ننموده است، بدیهی است با استناد به نقش و اهمیتی که مدیریت شهری در شکل دادن به جامعه مدنی محلی و آموزش شهروندی دارد. نظام حقوقی ایران باید ظرفیت

های لازم را در راستای بستر سازی قانونی در باب شهروندی و آموزش حقوق و تکالیف شهروندی گسترش دهد. البته با وجود نبود مفهوم شهروندی، شاهد مواردی در زمینه آموزش شهروندی بوده ایم. به عنوان مثال در بعضی از مصوبات شورای شهر شاهد الزام شهرداری و نهادهای تابعه آن در راستای آموزش حقوق و مسئولیت ها و تکالیف شهروندی هستیم، هم چنین در سند چشم انداز شهرداری در افق ۱۴۰۴ یکی از اهداف، تامین عادلانه کلیه حقوق شهروندی ذکر شده است.

## ۲-۲: ضوابط و سیاست های حاکم بر مدیریت شهری و تاثیر آن در کاهش جرم و پیشگیری از آن

مراجع مدیریت شهری در حیطه وظائف خود، در کنار تکالیفی که تحت عنوان مقررات قانونی عام و خاص، بر عهده مردم قرار داده و تخلف از آن را جرم محسوب نموده و مستوجب مجازات می دانند، خود این دستگاه ها نیز به موجب مقررات جاری کشور دارای وظائف و تکالیفی هستند که غفلت از آن ها منجر به بروز بسیاری از جرائم می گردد. شهرداری، سازمان محیط زیست و غیره در زمره دستگاههای هستند که رابطه مستقیم یا غیر مستقیم با شهروندان دارند و عدم برنامه ریزی مناسب و عملکرد ناثواب برخی از این دستگاهها سبب گردیده است تا بخش قابل توجهی از پرونده های متشکله در دستگاه قضایی مربوط به این دستگاهها باشد. طراحی و جانمایی ساختمان ها، توجه به مبلمان شهری و پارک های عمومی، ایجاد تفرجگاه های عمومی، اجرای طرح های هادی برای جلوگیری از تعرض به اراضی زراعی و باغ ها، گسترش فضاهای آموزشی، توجه به مسکن، حفاظت از محیط زیست، همه و همه در زمره اقداماتی است که بر عهده متولیان شهری است که اجرای درست آن می تواند نقش موثری در کاهش جرم ایفاء نماید. به واقع باید گفت جهت تاثیرگذاری ضوابط و سیاست های حاکم بر مدیریت شهری در کاهش جرم و پیشگیری از آن؛ در درجه اول باید مدیریت شهری برای شهر برنامه ریزی نموده و فعالیت ها را سامان دهد. البته برنامه ریزی برای کاربری زمین شهری یعنی ساماندهی مکانی و فضائی فعالیت ها و عملکردهای شهری بر اساس خواسته ها و نیازهای جامعه شهری این برنامه ریزی، در عمل هسته اصلی برنامه ریزی شهری است و انواع استفاده از زمین را طبقه بندی و مکان یابی می نماید. طرح کاربری زمین شهری، یکی از ابزارهای مهم برای دست یابی به هدف های کلان اجتماعی، اقتصادی و کالبدی است که نه تنها اثراتی بسیار بر سرمایه گذاری و تصمیم های عمومی و خصوصی می گذارد، نقش مهم و بسیار تاثیرگذاری در جلوگیری از وقوع جرم و یا کاهش آن دارد. ضمناً در ضوابط و سیاست های حاکم بر مدیریت شهری در راستای تاثیرگذاری در وقوع جرم و پیشگیری از آن باید مبانی سازماندهی شود چرا که مبارزه با جرم منوط به شناختن علل جرم زا می باشد. با از بین بردن این عوامل یا کاهش اثرات آن می توان از بروز جرائم پیشگیری کرد و یا حداقل از میزان آن در جامعه کاست. هم چنین این سازماندهی می تواند از طرقی مانند زیباسازی و بهسازی محیط شهری، ایجاد پارک ها و فضای سبز و مواردی مانند این انجام شود.

### نتیجه گیری

در این مقاله به تحلیل فقهی، حقوقی ضوابط و سیاست های حاکم بر مدیریت شهری پرداخته شد و بنابر آن روشن گردید که فقه الاداره و فقه التربیه دو گرایش جدید فقهی هستند که در تعامل با علوم مرتبط به خود یعنی علم مدیریت و علوم تربیتی سازمان یافته اند، اما فقه محیط زیست و شهرسازی ابوابی هستند که مبتنی بر پشتوانه های فقهی موجود اعم از آیات و روایات مطرح شده اند؛ لذا رسیدن به نتیجه در این اقسام سریع تر است و فقه الاداره و فقه التربیه نیاز به بحث و بررسی بیشتری دارند. ضمناً یافته های این مقاله نشان می دهد که تحلیل فقهی و رعایت و پیاده سازی موازین آن ضوابط و سیاست های حاکم بر مدیریت شهری باعث می شود که روح توحیدی و الهی وجود داشته و رنگ و بوی معنویت در همه جا احساس شود که به واقع این نقطه امتیاز مدیریت فقهی شهری از مدیریت صرفاً سکولار و بشر ساخته است. تحلیل حقوقی ضوابط و سیاست های حاکم بر مدیریت شهری و تاثیر آن در ارتقای حقوق شهروندی، کاهش جرم و پیشگیری از آن نشان می دهد که در حیطه ارتقای حقوق شهروندی و در قوانین مراجع مدیریت شهری مانند شورای شهر و شهرداری ها نواقص زیادی مشاهده می شود و متأسفانه بسترهای سیاست گذاری، اقتصادی و مدیریتی در باب آموزش حقوق شهروندی مهیا نیست. ضمناً در فرآیند های طراحی فضاهای شهری کمتر به پتانسیل های بالقوه مناطق شهر و ساختمان ها در کاهش یا پیشگیری از جرائم توجه گردد. در حالی که باید گفت باید گفت ضوابط و سیاست های حاکم بر مدیریت شهری با مواردی مانند آموزش حقوق شهروندی، اتخاذ رویکرد شهروند مداری، اصلاح نظام اداری و مراعات حقوق شهروندی، تاثیر در کاهش جرایم و پیشگیری از آن، حاکمیت قانون، مسئولیت پذیری در قبال شهروندان و... امکان نقش آفرینی در راستای ارتقای حقوق را در جامعه دارد لذا باید بیش از پیش به حل و فصل این نواقص توجه شایانی نمود.

## منابع

۱. اعرافی ، علیرضا (۱۳۸۷) آشنایی با فقه تربیت ، شماره ۱۱ ، مجله تا اجتهاد
۲. برک پور ، ناصر ، اسدی ، ایرج (۱۳۹۰) مدیریت و حکمروانی شهری ، چاپ دوم ، تهران ، انتشارات دانشگاه هنر
۳. حرعاملی ، محمد بن حسن (۱۳۸۹) وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه ، بیروت ، داراحیاء التراث العربی
۴. خلعتبری سلطانی ، بهدیس ، حصاری ، معصومه (۱۳۹۳) جایگاه شهروندان در مدیریت شهری ، هفتمین کنگره انجمن ژئوپلتیک ایران ( جغرافیای سیاسی شهر)
۵. رازقی ، هادی (۱۳۸۱) فقها التریبه ، تعامل فقه و تربیت ، شماره ۹ ، مجله پژوهش و حوزه
۶. رحمت ، محمدرضا (۱۳۸۸) پیشگیری از جرم از طریق معماری و شهرسازی ، چاپ اول ، انتشارات میزان
۷. رضایی ، حسن (۱۳۹۵) چیستی و ماهیت فقه الاداره ، شماره ۸۰ ، مجله حکومت اسلامی
۸. سعید شریعتی ، شهیر ، قدیمی ، گویا ( ۱۳۹۵) بررسی مفهوم ارزش های دینی و اخلاقی از دیدگاه اسلام و فلسفه ، کنفرانس ملی دانش و فناوری روانشناسی علوم تربیتی و جامع روانشناسی ایران
۹. شریف زاده ، فتاح و همکاران ( ۱۳۹۸) عوامل موثر بر نهادینه سازی فرهنگ سازمانی مبتنی بر ارزش های اسلامی ، سال بیست و هشتم ، شماره نود و دوم ، فصلنامه علمی مطالعات مدیریت
۱۰. شریفی ، علی و همکاران ( ۱۳۹۷) فقه مدیریت شهری ، چاپ اول ، دوره هفت جلدی ، انتشارات مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران ( شهرداری تهران)
۱۱. صادق زاده ، وحید (۱۳۹۴) تبیین جایگاه ابواب فقه در بخش های مختلف مدیریت شهری با تاکید بر حوزه مسکن ، همایش ملی معماری و شهرسازی ایرانی -اسلامی
۱۲. .... ، ..... ( ۱۳۹۲) بررسی تجارب ملی فرهنگسراها ( طرح پژوهشی ) سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری مشهد
۱۳. فهیمی ، عزیزالله ، عرب زاده ، علی (۱۳۹۱) مبانی فقهی حقوق محیط زیست ، شماره ۱ (پیاپی ۳۵) نشریه پژوهشنامه حقوق اسلامی

۱۴. قوامی ، صمصام‌الدین ( ۱۳۹۲ ) فقه‌الاداره ، چاپ اول ، قم ، انتشارات سبحان
۱۵. مطهری ، مرتضی ( ۱۳۸۰ ) مجموعه آثار ، تهران ، انتشارات صدرا
۱۶. لفرحی ، علی ( ۱۴۳۰ ) تحقیق فی القواعد الفقیهه ، قم ، انتشارات موسسه نشر اسلامی
۱۷. لطفی ، حیدر و همکاران ( ۱۳۸۸ ) مدیریت شهری و جایگاه آن در ارتقاء حقوق شهروندان ، دوره دوم ، شماره اول ، مجله نگرش های نو در جغرافیای انسانی